



Critical Discourse Analysis of the "Silsilat al-Dhahab" Hadith Based on Norman Fairclough's Discourse Theory

Mohammad Soleimani¹
Mehdi Ahmadi³

Mohammad Mahdi Ajilian Mafogh²
Ahmad Zare Zardini⁴

1. Doctoral student of Qur'anic and Hadith sciences, Department of Qur'anic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz. msbaran90@iran.ir

2. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz. (The corresponding author) majilian@shirazu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz. mahmadi@shirazu.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quran and Hadith Sciences, Meybod University, Meybod. zarezardini@meybod.ac.ir

DOI: [10.22034/iscw.2025.2044606.1110](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2044606.1110)

*Promotional
Research*

Received:
2024-11-04

Accepted:
2025-03-02

Keywords:
Discourse,
Critical
Discourse
Analysis,
Silsilat al-
Dhahab,
Imam Reza
(peace be
upon him)

Abstract: The "Silsilat al-Dhahab" hadith, one of the most renowned narrations attributed to Imam Reza (peace be upon him), was articulated in the presence of a large gathering of hadith scholars and the public in Nishapur, emphasizing two central theological themes: monotheism (tawhid) and divine leadership (imamate). This hadith has garnered significant attention from historians and hadith scholars throughout history. The present study employs the method of Critical Discourse Analysis (CDA) to examine the linguistic structure of the hadith's text, interpret its contextual functions, and explore the pragmatic implications of its discourse. The analysis aims to identify the dominant discursive motivations and flows, as well as the oppositional dynamics between Imam Reza's discourse and competing discourses of his era. Drawing on the CDA framework, the findings suggest that through this narration, Imam Reza (peace be upon him) challenges the legitimacy of the political authority of the caliphs, Umayyads, and Abbasids, while asserting the exclusive right of divine leadership for the infallible Imams, including himself. The hadith also serves as a clarifying response to deviant intra-Shi'i sects such as the Waqifiyya, Ismailiyya, Zaydiyya, Ghulat, and Sufis, while reaffirming the Qur'anic verses on divine guardianship (wilaya), reiterating the message of Ghadir, and articulating the political philosophy of Islam and Shi'ism. Through this hadith, Imam Reza (peace be upon him) seeks to elucidate the authentic monotheistic worldview of Islam, tailored to the cultural, social, and political exigencies of his time, while redefining the path to salvation and protection from divine punishment

گفتمان کاوی انتقادی روایت «سلسله‌الذَّهب» بر مبنای نظریه گفتمانی نورمن فرکلاف

محمد سلیمانی^۱ محمد مهدی آجیلیان مافوق^۲
 مهدی احمدی^۳ احمد زارع زردینی^۴

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآنی و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، msbaran90@iran.ir
۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار، گروه علوم قرآنی و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). majilian@shirazu.ac.ir
۳. مهدی احمدی، دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار، گروه علوم قرآنی و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز. mahmadi@shirazu.ac.ir
۴. احمد زارع زردینی، دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد. zareardini@meybod.ac.ir

DOI: [10.22034/iscw.2025.2044606.1110](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2044606.1110)

چکیده: حدیث «سلسله‌الذَّهب»، از مشهورترین احادیث امام رضا (ع) است که در جمع انبوه محدثان و مردم نیشابور و با تأکید ویژه بر دو محور کلامی «توحید» و «امامت» بیان شد و در طول تاریخ مورد توجه تاریخ‌پژوهان و حدیث‌پژوهان بسیاری قرار داشته است. نوشتار حاضر می‌کوشد با کاربردی روش تحلیل گفتمان انتقادی، ضمن تحلیل ساختار زبان متن حدیث و نیز تفسیر و کارکردهای مربوط به بافت و دلالت‌های سطح کاربردشناختی گفتمان، انگیزه‌ها و جریان‌های غالب گفتمانی و تقابل گفتمان امام رضا (ع) را در برابر گفتمان‌های رقیب مشخص سازد. بر اساس نتایج این پژوهش در مدل تحلیل گفتمان انتقادی، امام (ع)، با بیان این روایت، عدم حقانیت جریان سیاسی خلفا، امویان و عباسیان را به چالش می‌کشد و حق ولایت را در انحصار معصومین (ع) از جمله خودش معرفی می‌کند. روشنگری تبیینی در برابر فرقه‌های انحرافی درون شیعی نظیر واقفیه، اسماعیلیه، زیدیه، غلات و صوفیه و نیز یادآوری آیات ولایت و ابلاغ مجدد پیام غدیر و «فلسفه سیاسی اسلام و تشیع»، از گفتمان کاوی این روایت مشخص می‌گردد. امام رضا (ع) با این حدیث، در صدد بیان جهان‌بینی توحیدی اصیل اسلام با توجه به اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن عصر و باز تعریف طریق سعادت و ایمنی از عذاب الهی است.

صص

۱۹۰-۲۲۱

علمی ترویجی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۴

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۲

کلید واژه‌ها:

گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، سلسله‌الذَّهب، امام رضا (ع)

۱. طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که بر اساس نقل شیخ صدوق (ره)، در طی هجرت امام رضا (ع) از مدینه به مرو رخ داد سخنرانی ایشان هنگام خروج از نیشابور و طرح «شرط ولایت اهل بیت (ع)»، به‌عنوان «شرط توحید» بود که به «سلسله الذهب» معروف شد. بر اساس این نقل، هنگامی که امام رضا (ع) خواست نیشابور را به‌قصد مرو ترک کند، برخی از راویان مشهور حدیثی نیشابور، دورش را گرفتند و عرض کردند: «ای پسر پیامبر خدا، از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضران فیضی بریم، نمی‌گویی؟!» امام (ع) که در کجاوه نشسته بود سرش را بیرون آورد و با ذکر سلسله سند حدیث از پدرشان تا امام علی (ع) از قول رسول خدا (ص) نقل کرد که پیامبر (ص) فرمود: «از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند شنیدم که می‌فرماید: «کلمه لا إله إلا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی»؛ (کلمه) لا إله إلا الله حصار من است و هرکس وارد حصار من شود از عذابم در امان است. در ادامه چون شتر به راه افتاد حضرت فرمود: «بشروطها و أنا من شروطها»؛ اما این ایمنی از عذاب الهی، شرطهایی دارد و من از شرطهای آن هستم» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۵؛ رحمانی، ۱۳۷۵، صص ۵۷-۷۸)؛ بنابراین، امام رضا (ع) با انتخاب و بیان این حدیث، با توجه به شرایط خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن روزگار، ولایت اهل بیت (ع) را به‌عنوان شرط توحید و حفظ در پرتو حصن الهی بیان کرد.

نقطه تمرکز این پژوهش، تحلیل گفتمان این روایت با هدف واکاوی علت انتخاب این حدیث از میان احادیث مأثور از پیامبر اکرم (ص) در باب مسئله توحید و ارتباط آن با مسئله امامت است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، نخست تحلیلی از ساختار زبانی روایت ارائه می‌دهد، سپس دلالت‌های سطح کاربردشناختی روایت را بررسی می‌کند و در نهایت انگیزه‌ها و جریان‌های گفتمانی غالب و فضای زیر متن روایت را از منظر گفتمانی مورد واکاوی قرار می‌دهد.

نگارندگان در این پژوهش، دو سؤال زیر را مورد توجه قرار داده‌اند:

یک. شرایط زمانی و مکانی و بسترهای فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر حضور امام رضا (ع)، چگونه در تحلیل گفتمان این روایت، مؤثر است؟

دو. ابعاد پنهان و ناگفته متن حدیث، در پرتو تحلیل گفتمان، شامل چه مواردی هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در خوانش گفتمانی احادیث امام رضا (ع) در دو بخش قابل بررسی هستند:

الف) پژوهش‌هایی که به کاربست روش تحلیل گفتمان در خوانش احادیث امام رضا (ع) پرداخته‌اند: مجیدی، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مناظره‌های امام رضا (ع) را با روش تحلیل گفتمان انتقادی در قالب متغیرها و مقوله‌های عملیاتی تحلیل نموده و با تمرکز بر بعد توصیفی این گفتمان و مقوله‌هایی ادبی و تأکید ساختاری مناظره‌های امام با نمایندگان ادیان و فرق، دوری امام (ع) از منازعه اخلاق‌گریز گفتمانی و استفاده از فرصت این مناظرات برای اثبات امامت را نتیجه این مناظرات می‌داند (مجیدی، ۱۳۹۲، ش، صص ۹-۳۹). بشیر، دیدگاه‌های کلان مطرح‌شده در خطبه امام رضا (ع) در خصوص امام و امامت را با روش «پدام» بررسی کرده است و گفتمان امام رضا (ع) را بیانگر وجود «نظریه کلان امامت» در حوزه حاکمیت اسلامی می‌داند (بشیر، ۱۳۹۸، ش ۴، صص ۲۹-۵۷). پژوهشگری، با بررسی نشانه‌های گفتمانی مناظرات امام رضا (ع)، نحوه به چالش انداختن هژمونی گفتمان حاکم را با مفصل‌بندی دال‌های حول دال مرکزی امامت، به‌عنوان گفتمان رقیب تحلیل کرده است (مقدس، ۱۳۹۹، ش ۱۴، صص ۶۳-۸۹). در پژوهشی دیگر، استفاده امام رضا (ع) از دلالت‌های معنایی و زبانی برای اثرگذاری در مخاطب و اقناع و خنثی کردن استدلال مخالفان با رویکرد تحلیل گفتمان بر پایه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژیک ون دایک و تحلیل تطبیقی مناظره امام رضا (ع) و جاثلیق در اثبات نبوت پیامبر (ص) را بررسی کرده است (انصاری‌نیا، ۱۳۹۷). ب) پژوهش‌هایی که در زمینه حدیث «سلسله‌الذهب» با استفاده از «روش تحلیل گفتمان» انجام شده است: در پژوهشی، به روش تحلیل تاریخی و با توجه به شرایط گفتمانی و تأکید بر هرمنوتیک قصدگرای مؤلف‌محور، هدف امام رضا (ع) را از انتخاب این حدیث، کاملاً هدفمند دانسته شده تا منادی همگرایی ادیان توحیدی و

ترک تکفیر همدیگر باشد. شرط پایانی حدیث را هم مؤید لزوم چنگ زدن به معارف اهل بیت (ع) برای دستیابی به مراتب والای توحید بیان کرده است (میرحسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ش ۶۹، صص ۱۳۴-۱۱۵). در مقاله‌ای، با استفاده از الگوی روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، در بررسی چرایی انتخاب، اهمیت و بازتاب‌های این حدیث در آن مقطع تاریخی، گفتمان‌های توحید و امامت را ذیل گفتمان مقاومت، به‌عنوان الگوی راهبردی برای شیعیان و همه مسلمین تحلیل کرده است (ولوی و همکار، ۱۳۹۸، ش ۳، صص ۲۰۱-۳۳۰).

در اکثر پژوهش‌های ذکر شده، گفتمان کاوی تاریخی انجام شده است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، ابعاد مختلف روایت را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش، از جهت کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی در خوانش روایت «سلسله‌الذهب» و ارائه مدلی برای فهم دقیق‌تر این حدیث، دارای نوآوری است. امتیاز ویژه این پژوهش نسبت به پژوهش‌های فوق‌الذکر، نگاه جزئی‌تر در ابعاد سه‌گانه روش تحلیل گفتمان و واکاوی ابعاد مختلف لایه‌های پنهان متن برای دستیابی به دلالت‌های عمیق‌تر سطح کاربردشناختی و تبیین تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر روی گفتمان غالب و شرایط صدور این حدیث است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. تحلیل گفتمان

واژه گفتمان، از واژه فرانسوی Discourse و لاتین Discourses به معنی گفتگو و محاوره، گرفته شده است (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، صص ۴۶-۵۷). در تعریف اصطلاحی «گفتمان»، گفته‌اند: «گفتمان، مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم آیند متن را به وجود می‌آورند؛ متن، حاصل و نتیجه گفتمان است. گفتمان به معنای فرآیند و متن به معنای فرآورده آن است و در اصطلاح، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است». گفتمان کاوی به‌مثابه یک روش، شیوه‌ای نوین از تحلیل در عرصه علوم انسانی است که درصدد کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی آشکار می‌شوند. تحلیل‌گر برای پیش بردن تحلیل و به‌منظور تفکیک اجزاء و مشخصه‌های

مختلف از سطوح متفاوت در متن، ابتدا برش‌هایی افقی و عمودی در لایه‌های متن ایجاد می‌کند تا ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن از یکدیگر مجرد و تحلیل‌گر قادر به ورود در متن شود (شکرانی و همکاران، ۱۳۸۹، ش ۲، صص ۷۱-۱۰۰).

۲-۳. انواع تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمان متون که از روش‌های کار بسته در دانش زبان‌شناسی است می‌توان از دو نوع تحلیل گفتمان تاریخی و انتقادی استفاده کرد:

۱-۲-۳. تحلیل گفتمان تاریخی

این رویکرد تحلیلی، متن را در سطح کلان مؤلفه‌های تاریخی و شرایط زمانی و مکانی و با در نظر گرفتن نقش عوامل تاریخ‌ساز در تولید متن بررسی می‌کند. این روش تحلیل، پهنه وسیع‌تری از مطالب و اقوال مطرح شده و حوادث و رویدادهای مؤثر و عوامل دخیل در شکل‌گیری متون تاریخی را در یک بستر زمانی مشخص و با مطالعه موردی آن‌ها، تأثیر هر یک از مؤلفه‌های گفتمانی را تحلیل می‌کند.

۲-۲-۳. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی، سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را از بعد نظری و روش‌شناختی، از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا می‌دهد و به لحاظ محدوده تحقیق نیز، گستره آن را از سطح بافت موقعیت فرد، به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌بخشد (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، ص ۸).

۱-۲-۲-۳. تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف، از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی، آن را روشی می‌داند که برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار می‌رود (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۸). روش او در تحلیل گفتمان، شامل سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است (پارسا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۶۱).

الف) سطح توصیف

در این مرحله، با بررسی ساختارهای زبانی و صرفی و نحوی و تحلیل دستور زبانی، فاکتورهای زبانی از متن استخراج می‌شود. در این سطح، متن بر اساس مشخصه‌های

زبان‌شناختی، توصیف می‌شود (شکرانی و همکاران، ۱۳۸۹، ش ۲، ۷۱-۱۰۰). توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن و بررسی خرد لایه واژگان و تحلیل نشانه‌شناختی یافته‌های حاصله در سطح توصیف، معنای جهان‌شمول حاکم در لایه ژرف متن را روشن سازد (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۱۷۱-۱۷۲).

ب) سطح تفسیر

مرحله دوم، شامل تحلیل کردار گفتمانی می‌شود و در رابطه بینامتنی، اصطلاحاً نحوه تولید و مصرف متن تحلیل می‌شود (پارسا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۶۱). فرکلاف، سطح تفسیر را ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر می‌داند و مقصود از ذهنیت مفسر را دانش زمینه‌ای می‌داند که مفسر در تفسیر متن به کار می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۲۱۵). سطح تفسیر مرحله‌ای ژرف‌تر از سطوح آشکار و ملموس متن و نوعی کشف و پرده‌برداری از زوایای پنهان معانی است که نشانه‌های متنی از بافت جامعه، زمان، مکان و فرهنگ به دنبال خود دارند (شکرانی و همکاران، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۷۶).

ج) سطح تبیین

در این مرحله، با تحلیل سازمانی، متن را از حیث کردارهایش تحلیل می‌کنند و از تحلیل خرد زبان‌شناختی، به سمت تحلیل‌های کلان‌تر سیاسی، اجتماعی حرکت می‌دهند (پارسا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۶۱). سطح تبیین به دنبال چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن، در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، ایدئولوژی، قدرت، قراردادهای و بافت فرهنگی اجتماعی جامعه است (شکرانی و همکاران، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۷۸).

تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماع توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار، می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۲۱۵).

۴. بحث و تحلیل: گفتمان کاوی انتقادی

۱-۴. بررسی سندی روایت «سلسله الذهب»

نام‌گذاری این حدیث که معروف به حدیث سلسله الذهب و به معنای زنجیره زرین است، به این دلیل است که افراد حاضر در سند حدیث، همگی از معصومین (علیهم‌السلام) هستند. البته نقل شده به دستور یکی از امیران سامانی، این حدیث را با طلا نوشته شده و دستور داد آن را با وی در قبر بگذارند و از این جهت، برخی، وجه نام‌گذاری حدیث به سلسله الذهب را این موضوع، دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵ ش، ج ۴، ص ۵۲۳).

روایت «سلسله الذهب» از نظر گونه شناسی حدیثی، به لحاظ محتوا و مفاهیم آن که از جانب پروردگار متعال بر قلب مبارک رسول الله (ص) القا شده و الفاظ آن از خود ایشان می‌باشد، حدیث قدسی است و اگرچه، با متن‌های مختلف نقل شده، ولیکن با توجه به همان نقلی که شیخ صدوق در کتاب‌های التوحید (ابن بابویه، بی تا ص ۲۴)، معانی الاخبار (ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۷)، عیون اخبار الرضا (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۱۳۴) و الامالی (ابن بابویه، بی تا، ص ۲۷۹) آورده است و در بسیاری از منابع متقدم دیگر شیعه از جمله الامالی شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۸۵) و اهل تسنن از جمله: حلیه الاولیاء (ابو نعیم، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۳) و الصواعق المحرقة (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۰۵) نیز آمده و جملات روایت مورد بررسی در این پژوهش، در تمامی آن‌ها مشترک است، به نوعی متواتر معنوی است، از آن جهت که بر اساس برخی نقل‌ها با کلمه «حدّثنی» و در برخی نقل‌ها با کلمه «سمعت ابی» نقل شده و نیز از آن جهت که در سند آن، از امام رضا (ع) تا گوینده حدیث (خداوند)، پیشوایان معصوم (ع) قرار گرفته‌اند، حدیثی مسلسل است و همچنین از آن جهت که تمامی رجال سند آن ذکر شده‌اند، حدیث مسند است.

ضمن اینکه حدیث «سلسله الذهب» در کتاب‌های متقدم حدیثی اهل تسنن از جمله تاریخ نیشابور (حاکم نیشابوری، بی تا، ص ۲۰۸-۲۰۹)، فصول المهمه (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۰) و ینابیع الموده (قندوزی، ۱۴۲۲، ص ۳۶۴-۳۸۵)، چندین قول در مورد تعداد افرادی که جریان این حدیث را گزارش کرده‌اند وجود دارد؛ برخی تعداد این افراد را ده هزار نفر (خنجی اصفهانی، بی تا، ص ۳۴۵)، برخی بیست هزار نفر (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۴۳) و برخی دیگر تعداد این افراد را سی

هزار نفر (خنجی اصفهانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۲۰) گزارش کرده‌اند که برخی قول بیست هزار نفر را مشهور می‌دانند (حبیبی تبار؛ مروجی طبسی، ۱۳۹۲ ش، ص ۴۳). قندوزی در ینابیع‌الموده به جمله پایانی روایت «و انا من شروطها» اشاره کرده است (قندوزی، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۶۴). همچنین از احمد بن حنبل و اباصلت هروی نقل شده است که گفته‌اند: «اگر این اسناد بر دیوانه‌ای خوانده شود هر آینه عاقل می‌شود یا شفا پیدا می‌کند» (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵۹۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۱۵).

البته در پژوهش‌های مستقل نظیر مقاله «توحید و امامت در حدیث سلسله‌الذهب» (حبیبی تبار؛ مروجی طبسی، ۱۳۹۲ ش، ۴۱-۵۷) به تفصیل بررسی نوع نگاه شیعه و سنی در منابع متقدم به این حدیث، پرداخته شده است.

۲-۴. تحلیل گفتمان روایت «سلسله‌الذهب» در سطح توصیف

در سطح توصیف، به توجه به واژگان و خصوصیات ظاهری آنان، ویژگی‌های صوری متن و رابطه‌ای که بین اجزای آن، برقرار است با هدف فهم معنای بیشتر و بهتر از متن، بررسی می‌شود. در این سطح، در خصوص حدیث «سلسله‌الذهب» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تقابل معنایی: امام رضا (ع)، در عبارت «فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنْ مِنْ عَذَابِي»، دو مفهوم «حصن» در برابر «عذاب» را استفاده نموده است که تقابل معنایی را به خوبی بیان می‌کند. استفاده از این نوع تقابل معنا توسط ایشان، باعث القای بیشتر مفهوم موردنظر در جایگاه و کارکرد توحید ناب و خالص در ایمنی بخشی از عذاب الهی دارد.

استفاده از بیان غیرمستقیم: امام رضا (ع)، در این حدیث و در اجتماع عظیم شکل‌گرفته آن روز در نیشابور، با کاربست «استفاده از بیان غیرمستقیم» که یکی از تکنیک‌های عملی فن بیان و نیز از روش‌های تربیتی است، به نوعی همه مردم را مورد خطاب این حدیث قرار داده است. او با به کار بردن لفظ «مَنْ» موصوله در عبارت «فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنْ مِنْ عَذَابِي»، عمومیت این پیام را برای همه بشریت

متذکر شده است که تا مخاطب حاضر و هر که را در آینده این خبر به او می‌رسد متوجه این مطلب کند که ایمنی از عذاب الهی برای هر معتقد به کلمه طیبه «لا إله إلا الله» تنها در گروهی پذیرش شرط «ولایت» است. مخاطب این حدیث در واقع همه بشریت در طول تاریخ‌اند که هرکدام مدعی حرکت در مسیر توحیدی‌اند و خود را حق می‌پندارند، باید صحت اعتقادات و مبنای حق بودن خود را در رابطه با ولایت که شرط حقیقی توحید است مشخص سازند.

انسجام واژگانی: «کلمه» در لغت به معنای لفظ، سخن و گفتار است و مقصود از «کلمه طیبه» و «کلمه من الله» در قرآن، «توحید» است (ابن منظور، ۱۳۶۹ ق، ج ۱۲، ص ۵۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۹، ص ۷۲۳). منظور از «کلمه‌الله» سخن خداوند تعالی است. امام رضا (ع)، در این روایت، معنای لغوی و اصطلاحی، این واژه را در تبیین کلمه طیبه «توحید» استعمال نموده است.

«حصن» در لغت به معنای «کُلّ مکان محمّی، منیع: دژ، حصار و قلعه محافظت‌شده و تسخیرناپذیر» است (ابن‌معروف، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۱۳). در تعریف «موضع حصین» آمده است: «کُلّ موضع حصین لا یوصل ما فی جوفه: هر جای محکم و تسخیرناپذیر، به آنچه درونش است دستی نمی‌رسد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۱۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۰۱؛ مهنا، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ موسوی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۶۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۴۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۸، ص ۱۴۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۴۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۴۶۰). و در اصطلاح فقه نظامی، عبارتست از: «دژ بلندی که به خاطر ارتفاع آن، کسی قادر به فتح آن نیست» (مروارید، بی‌تا، ج ۹، ص ۸۷). «قُرَى مُحَصَّنَه» در آیه، «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ: آن‌ها هرگز با شما به صورت گروهی نمی‌جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها!»؛ یعنی شهرهایی که در استحکام و استواری مانند حصن هستند (الحشر: ۹).

در کلام ائمه معصومین (ع) قبل از امام رضا (ع) هم از واژه «حصن» با همان معنای مشهور لغوی «دژ، پناهگاه و قلعه تسخیرناپذیر» استفاده می‌شده از جمله: امیرالمؤمنین (ع) در روایتی «وفا» را قلعه و دژ محکم سیادت و آقایی معرفی می‌نماید: «الْوَفَاءُ حِصْنُ السُّودَد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹) و همچنین

در حدیث «ولایه علی بن ابیطالب حصنی و من دخل حصنی أمن من عذابی» (مجلسی، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۳۵۹)، ولایت امیرالمؤمنین (ع)، حصن الهی و قلعه محکم ایمنی از عذاب الهی معرفی شده است.

«شرط» که جمع آن «شروط» است به معنای الزام‌آور و الزام به چیزی و التزام به آن است (معلوف، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۷۶۰) و به: «کُلُّ حکم معلوم متعلق بأمر یقع بوقوعه و ذلک الأمر کالعلامه له: هر حکم معلومی که تعلق به چیزی داشته باشد و با وجود آن تحقق یابد» اطلاق شده است و گویی شرط برای مشروط، علامت و نشانه تحقق آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۹ ق، ص ۴۵۰)، همچنین گفته‌اند: شرط در عقد این است که طرفین، علاوه بر عقد، توافق کنند و باید به آن پای بند باشد (مرعی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۱۸).

امام رضا (ع) در این حدیث، واژگان «کلمه»، «حصن» و «شرط» را در جهت تبیین و جایگاه محکم و دژ عظیم توحید و شرط ولایت در ایجاد حصار محکم و تسخیرناپذیر در ایمنی از عذاب الهی، معرفی نموده و با استفاده از انسجام واژگانی، مشروط بودن ایمنی از عذاب الهی در یرتو تلفیق پذیرش کلمه توحید همراه با ولایت را، بیان نموده است.

استفاده از گزاره‌های مثبت و خبری: امام رضا (ع) در اینجا، در مورد حقیقت توحید صحیح و واقعی خبر می‌دهد که با استفاده از افعال مثبت و خبری، نشان‌دهنده موضع و قدرت بیانی گوینده و اشراف بر گفتمان‌های رقیب و مقابل و تلاش ایشان در فهماندن معنای موردنظر خود و القای محتوای گفتمان غایب به مخاطب است؛ به این معنا که گفتمان توحیدی مبتنی بر شرط راستین ولایت و امامت که بارها از سوی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بیان شده و به نوعی، در زیر بایکوت خبری و رسانه‌ای حکام جور بنی امیه و بنی العباس، از مدار توجه جامعه مسلمانان به دور مانده و نیاز به احیاء، تذکر و بازسازی مفهومی در جامعه دارد که امام رضا (ع) با این بیان با استفاده از قابلیت گزاره‌های مثبت و خبری، این محتوای غایب را در بهترین و مناسب‌ترین شرایط، برای مخاطبین حاضر و محدثینی که برای نگارش حدیث گهربار ماندگار از میراث رسول اکرم (ص)، گرد امام رضا (ع) جمع شده‌اند، بیان می‌کند.

اضافه «بشروطها و أنا من شروطها» با کاربست صنعت التفتات، ضمن القای محتوای غایب که بارها از سوی امامان معصوم (ع) قبلی بیان و تصریح شده است، روی سخن را متوجه مخاطب منتظر کلام نورانی پیامبر اکرم (ص) می‌کند و این خود به‌گونه‌ای سبب توجه بیشتر مخاطب و حسن بیشتر کلام شده است.

استفاده از جملات اسمیه و فعلیه در جای مناسب: امام رضا (ع)، در جمله‌های اسمیه «کلمه لا إله الا الله حصنی» و «أنا من شروطها» از کارکرد جمله اسمیه در تأکید و تصریح و در جمله فعلیه «أمن من عذابی» از کاربرد جمله فعلیه، در برجسته‌سازی اثر تمسک به کلمه توحید در عین پرداختن به شرط ولایت استفاده نموده است.

استفاده از باء مصاحبت (معیت): امام رضا (ع)، در بخش پایانی این حدیث با عبارت «بشروطها و أنا من شروطها» برای بیان شرط اساسی توحید واقعی، از «باء مصاحبت» یا «باء معیت» استفاده کرده تا مشخص سازد که با اعتقاد به «ولایت» و تبعیت از آن که شرط اساسی توحید حقیقی است، ایمنی از عذاب الهی حاصل می‌شود. توجه به مسئله «تفاوت در نقل‌ها» در روایت مذکور مشخص می‌سازد که در بخش اول روایت که بیان خداوند متعال است کلمه توحیدی «لا إله الا الله» را به‌عنوان «دژ و قلعه محکم ایمنی‌بخش از عذاب الهی» معرفی کرده است ولی در بخش دوم، امام رضا (ع)، شرط صحت گفتار و ادعای موحدین برای توحید واقعی را با استعمال «باء مصاحبت» یا «باء معیت» در گرو شرط اساسی آن که همانا «اعتقاد به ولایت و جایگاه آن و التزام عملی در عمل معتقدین به توحید» است متذکر می‌شود و به نوعی «جهان‌بینی توحیدی صحیح و صادقانه» را تبیین می‌کند.

بیان گفتمان‌های مقابل با قید «بشروطها»: امام رضا (ع)، با ذکر قید «بشروطها»، گفتمان اصلی را مشخص و کلیه گفتمان‌های مدعی حق را که صرفاً توحید لفظی و البته بدون عمل به لوازم و شرایط آن که اصل آن پذیرش ولایت اهل بیت (ع) است، نقد کرده و رد می‌کند.

۳-۴. تحلیل گفتمان روایت «سلسله‌الذّهب» در سطح تفسیر

در سطح تفسیر که به کاربردهای مربوط به بافت موقعیتی و سیاق و دلالت‌های سطح کاربردشناختی گفتمان پرداخته می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۳-۴. بافت

سخن از فضای گفتمانی این حدیث در شرایطی است که نیشابور آن زمان و در کنار بغداد جزو مراکز مهم علمی جهان اسلام محسوب می‌شد و منبع مهمی برای دانشمندان علوم مختلف از جمله: حدیث، قرآن، تفسیر، لغت و سایر علوم بوده است (حموی بغدادی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۳۱). البته رونق دانش حدیث در این شهر، به دلیل وجود محدثان و راویان مشهور، بیش از سایر علوم بود به گونه‌ای که از دیدگاه بخشی از محدثان اهل تسنن، به‌عنوان سرزمین محدثان شناخته می‌شد (ابن صلاح، ۱۹۹۲، ص ۲۲). اگرچه مردمان این شهر در آن زمان شیعه نبودند اما بر اساس آنچه در نقل‌های تاریخی آمده استقبال از امام رضا (ع) در این شهر ساعت‌ها به طول انجامیده و علماء و محدثان زیادی آمده بودند تا سؤالات خود را از امام رضا (ع) بپرسند (الهامی، ۱۳۷۲، ش ۵، صص ۳۲-۴۴). برخی گزارش‌ها از حضور اندیشمندان حدیثی همچون: محمدبن‌رافع، احمد بن الحارث، محمدبن رافع قشیری، یحیی بن یحیی، إسحاق بن راهویه، ابوزرعه و محمد بن أسلم طوسی و گروهی از عالمان شهر خبر داده‌اند. در گزارش کشف‌الغمه که به نقل از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری است، آمده است که علی بن موسی‌الرضا (ع) بر محملی که از نقره خالص بود، به نیشابور وارد شد و در آستانه بازار، حافظ ابوزرعه و محمد بن اسلم طوسی به پیشواز آمده و با احترام کامل و قسم‌دادن به پیامبر اکرم (ص)، از آن حضرت می‌خواهند که حدیثی را از اجداد پاک‌سیرتشان برای جماعت نیشابوری روایت کنند. بنا به گزارش‌ها، ۲۴ هزار نفر قلم‌به‌دست حدیث را می‌نگاشتند (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۳۰۸).

۲-۳-۴. مخاطبان

همان‌طور که از ظاهر روایت برمی‌آید صدور این حدیث از سوی امام رضا (ع)، در پاسخ به درخواست اصحاب حدیث نیشابور به‌عنوان مخاطبین اولیه این حدیث، با بیان «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثْنَا بِحَدِيثٍ فَتَسْتَفِيدَهُ مِنَّا؟!» ای پسر پیامبر خدا، از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی بریم، نمی‌گویی؟!»

و در ادامه، حدیثی خطاب به همه اهل زمان خود و به‌ویژه با توجه به شرایط آن روز حکومت به‌اصطلاح! اسلامی عباسیان و درنهایت خطاب به همه انسان‌ها و همه زمان‌هاست و امام رضا (ع) به‌نوعی، پاسخ همه تاریخ در تبیین مسیر مستقیم توحیدی را بیان کردند به‌طوری‌که می‌شود همه انسان‌ها در کل تاریخ پس از صدور این حدیث را، از اعضای مشارکت جویان پنهان این حدیث بدانیم.

در تحلیل روابط اجتماعی مشارکت جویان در تولید گفتمان این حدیث، می‌توان به نقش امام رضا (ع) به‌عنوان رهبر و ولیّ امر مسلمانان بر اساس جعل الهی و مبلغ رسالات الهی و میراث دار سلسله جلیله نبوت و امامت و مبیین معارف و احکام الهی اشاره نمود که همچون اجداد طاهربینش در نقش هدایتگری و زمینه‌سازی ایصال الی المطلوب، بهترین طریق هدایت و وصول به سعادت و حقیقت توحیدی را بیان می‌کند.

همچنین نقش مردم مخاطب زمان صدور این حدیث و آن هم در سرزمین ایران که از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی و تمدن و فرهنگ و حوزه قلمرو در جایگاه حساسی قرار داشته و در زمان صدور این روایت، مقر و مرکز اصلی حکومت بنی العباس در مرو، از جلوه‌های تأثیر مشارکت جویان گفتمان این حدیث بوده و اینکه مردم ایران به دلیل بُعد مکانی، عمدتاً از مصاحبت و توفیق دیدار با پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار و ائمه معصومین (ع) دور بوده‌اند، به‌نوعی تشنه رؤیت، لقاء و استماع سخنان گهربار امام رضا (ع) و بیانی از میراث به‌جامانده از خاندان عصمت و به‌ویژه مأثور از پیامبر اکرم (ص) باشند.

اصحاب حدیث نیشابور نیز، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم حدیثی آن روز جهان اسلام و اگرچه از اهل تسنن به‌حساب می‌آمد و آن هم در شرایط اجتماع کثیر مردم در گرد امام رضا (ع) و درخواست آنان با بیان: «ای پسر پیامبر خدا (ص)، از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی بریم، نمی‌گویی؟!»، حکایت از نقش ویژه و روابط اجتماعی مشارکت جویان مرتبط با صدور این حدیث گهربار از سوی حضرت امام رضا (ع) می‌باشد. همچنین، مخاطبین پنهانی را که در نظر امام رضا (ع) برای دریافت پیام‌های مهم این حدیث در طول همه زمان‌ها و مکان‌ها، مدّ

نظر بودند، می‌توان از زمینه‌ها و روابط اجتماعی مشارکت جویان در فرآیند تولید و صدور این روایت برشمرد.

۳-۳-۴. زبان

از آنجایی که زبان، ابزاری برای تولید گفتمان است که می‌توان به‌وسیله آن، هدف گفتمان را بیان کرد، متن این حدیث نظیر سایر احادیث مأثور از ائمه (ع) و بالأخص امام رضا (ع)، در قالب گفتار تولید شده و در قالب نوشتار مکتوب شده است که این حدیث به‌طور خاص، به دلیل در کانون نظر بودن شخصیت امام رضا (ع) در آن روزگار و اعصار بعدی، همواره در آثار محدثین و اندیشمندان اسلامی، مورد توجه ویژه بوده است. البته امام رضا (ع) در موقعیت‌های قبل و بعد از صدور این حدیث از ایشان در نیشابور، با استناد به آیات متعدد قرآن کریم، به‌نوعی رابطه بینامتنی و خط ایدئولوژی یکسان میان احادیثشان با قرآن کریم را مشخص می‌سازد.

در حدیث «ولایه علی بن ابیطالب حسنی و من دخل حصنی أمن من عذابی» (مجلسی، ۱۴۰۲ ق، ج ۸، ص ۳۵۹) که ولایت امیرالمؤمنین (ع) حصن الهی و قلعه محکم ایمنی از عذاب الهی معرفی شده، مقصود ولایت شخصی امیرالمؤمنین (ع) نیست بلکه ولایت نوعی اهل بیت (ع) است و به تعبیر رسول اکرم (ص) ولایت، مایه خلوص قلعه توحید و به تعبیر امام رضا (ع) ولایت شرط قلعه امن بودن توحید است یعنی قلعه توحید، وقتی قلعه امن و ناب است که از راه اسمای حسنی و مظاهر کامل آن‌ها و از راه پذیرش ولایت و امامت آنان ظهور کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹).

در بررسی دلالت‌های سطح کاربردشناختی گفتمان، بر پایه آنچه از ظاهر حدیث برمی‌آید، شعار «لا إله إلا الله» که شعار مرکزی دین اسلام است، می‌تواند به‌عنوان یک «عامل وحدت‌بخش میان مسلمانان» ایفای نقش کند و هر آن کس که بر این شعار پای بند باشد، در قلعه این امت قرار می‌گیرد و از عذاب ایمن می‌گردد. این حدیث در عین کوتاهی عبارات، دارای پیامی قاطع در خصوص «انسجام امت» است که بر «مشترکات امت» تأکید دارد. بهره گرفتن از استعاره «دژ» نیز امت مسلمان را به‌عنوان «اهل یک قلعه» ترسیم می‌کند که باید اهتمام مشترک داشته باشند و یاور یکدیگر باشند (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۳).

بر طبق حدیث «سلسله‌الذهب»، کلمه توحید، قلعه امن الهی است و انسان موحد در قلعه و حرم امن الهی قرار گرفته است، نه خود را در معرض تجاوز بیگانگان قرار می‌دهد و نه گناه و نه شیطان در حرم امن او راه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹). در روایتی، شخصی از امام باقر (ع) پرسید: آیا پیامبر (ص) فرموده است که گوینده «لا إله إلا الله» بهشتی است؟ امام (ع) در پاسخ فرمود: «آری، این روایت صحیح است.» آنگاه در ادامه آن حضرت، آن سائل را به حضور طلبید و فرمود: «توحید، شروطی دارد و از آن جمله، امامت و رهبری ماست» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹). بنابراین کلمه طیبه «لا إله إلا الله»، یعنی «توحید» حصن خداست. چنان‌که «ولایت اهل بیت (ع)» هم حصن خداست. این دو حصن مقابل هم نیستند، بلکه طبق حدیث «سلسله‌الذهب» شرط «ولایت» دالان ورودی برای «حصن توحید» است. به باور شهید مطهری (ره)، توحید در کلام امام رضا (ع) به این جهت حصن و باروی الهی دانسته شده است که توحید اساس و ریشه است و همانند الف است که به دنبالش همه چیز هست (مطهری، بی‌تا ج ۶، ص ۳۰).

۴-۴. تحلیل گفتمان روایت «سلسله‌الذهب» در سطح تبیین

در سطح تبیین، به بیان ارتباط تعامل و بافت اجتماعی با هدف توصیف گفتمان به‌عنوان قسمتی از فرآیند اجتماعی و نمایش تأثیر ساختارهای اجتماعی بر گفتمان و بازتولید گفتمان بر ساختارها که سبب حفظ یا تغییر ساختار شود پرداخته می‌شود و جزئی از روند مبارزه اجتماعی در مناسبات قدرت و انگیزه‌ها و جریان‌های گفتمانی غالب تشریح می‌شود.

۴-۴-۱. چرایی تصریح امام رضا (ع) به سلسله راویان

امام رضا (ع) در این روایت با ذکر سلسله کامل سند، شامل ائمه معصومین (ع) از پدرشان امام موسی بن جعفر (ع) از امام جعفر صادق (ع) از امام محمدباقر (ع) از امام سجاد (ع) از امام حسین (ع) از امام علی (ع) تا از پیامبر اکرم (ص) و در نهایت از قول جبرئیل امین (ع) از قول خداوند متعال، روایت را بیان می‌کند.

در مقام سطح تبیین در گفتمان کاوی و بررسی دلالت متنی، ظاهراً منظور امام ارائه سند محکم برای سخن خویش نیست بلکه با ارائه دیگر قائلین سخن، درصدد بیان این هستند که آن‌ها هم مانند من چنین اعتقادی داشتند و در این جایگاه تفاوتی میان من و آنان نیست، چنان‌که سلسله امامت در کنار منشأ آغازین آن یعنی نبوت، همگی مشمول این حکم هستند که کلمه «لا إله إلا الله» حصار است و هر کس در این حصار است در امان و امنیت است؛ اما شرط آن تن دادن به شرط «ولایت مطلق امام» است، چنان‌که در روایتی که از امام باقر (ع) نقل شد، همین مضمون تکرار شده است؛ اما متأسفانه بعد از وفات پیامبر (ص)، توامانی توحید و ولایت به انحراف و کجی رفت. به تعبیر دیگر امام رضا (ع)، با بیان این حدیث نورانی، در صدد اثبات این حقیقت‌اند که گفتمان ایشان، منبعث از گفتمان الهی، وحی، پیامبر اکرم (ص) و اجداد طاهرینش (ع) می‌باشد.

۲-۴-۴. به چالش کشیدن جریان سیاسی خلفا، امویان و عباسیان

بر اساس گفتمان غالب شیعه و بر اساس آیات متعدد قرآن و روایات مکرر نبوی و مضمون حدیث متواتر ثقلین و غدیر، حق ولایت از آن امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و فرزندان معصوم از نسل ایشان است و در طول حیات سیاسی امامان شیعه، این مطلب بارها و در مواضع مختلف به‌عنوان حق مسلم و مطالبه جدی از دستگاه حاکمه مسلط بر جامعه مسلمانان مطرح بوده است، امام رضا (ع) در اینجا هم خواسته تا با طرح مجدد این مطالبه و حق الهی، حکومت بنی‌عباس و به‌طور خاص حکومت مأمون را به چالش بکشد.

این روایت در گفتمان سیاسی اجتماعی، نه‌تنها دلیل بر امامت و حقانیت امام رضا (ع) است بلکه حقانیت جریان سیاسی خلفا، امویان، عباسیان را به چالش می‌کشد و البته حقانیت و مطالبه جانشینی بر حق امام علی (ع) و سایر امامان در طول تاریخ آن زمان را به رخ می‌کشد و به‌نوعی گفتمان رقیب را مشخص و باطل بودن آن را بیان می‌کند.

امام رضا (ع) در مدینه و در فرصت زمان هارون الرشید علناً اظهار امامت می‌نمود و علیرغم هشدار برخی از دوستان خاص بر ادامه مسیر تقیّه به سیره پدران بزرگوارشان، امامت و شئون آن را آشکار نموده و از نتیجه آن اظهار اطمینان می‌کرد؛

از محمد بن سنان نقل شده که گوید: «به امام رضا (ع) در ایام خلافت هارون عرض کردم: شما امر خلافت و امامت خود را آشکار ساخته به جای پدر نشستهای، در حالی که هنوز از شمشیر هارون خون می‌چکد؛ امام (ع) فرمود: مرا گفتار پیامبر (ص) نیرو و جرئت می‌بخشد که فرمود: اگر ابوجهل توانست مویی از سر من کم کند بدانید من پیامبر نیستم و من به شما می‌گویم: اگر هارون مویی از سر من گرفت بدانید من امام نیستم» (مجلسی، ۱۴۰۲، ق، ج ۴۹، ص ۱۱۵).

بر طبق نقل مشهور، امام رضا (ع) در زمانی که می‌خواست از مدینه به سمت مرو برود، خاندانش را به دور خود گرد آورد و به آنان دستور داد تا گریه کنند و فرمود: «من دیگر به جمع خانواده‌ام بر نمی‌گردم. آنگاه وارد مسجدالنبی شد تا با پیامبر (ص) وداع کند و چندین بار وداع کرد و به سوی قبر بازگشت و با صدای بلند گریه نمود. مخول سجستانی گوید: در این حال، خدمت ایشان رفتیم و سلام کردم و سفره‌خیر گفتم، فرمود: ای مخول، مرا خوب ببین که از کنار جدّم دور می‌شوم و در غربت جان می‌سپارم و در کنار هارون دفن می‌شوم» (همان، ج ۴۹، ص ۱۱۷).

به نظر می‌رسد امام رضا (ع) با این نحو وداع، در صدد بود که چند مفهوم پیش‌دستانه را در مواجهه با نقشه‌های مأمون دنبال کند: اولاً دارا بودن علم غیب به اسرار عالم به اذن الهی و به‌ویژه علم به نحوه شهادتشان توسط مأمون را بیان نماید؛ ثانیاً نقشه اصلی مأمون برای دعوت از ایشان به حرکت به مرو و پیشنهاد ولایتعهدی را نقشه پیش‌طراحی شده مأمون از این عزیمت معرفی کرده و ماهیت خدعه آمیز بودن پیشنهادات متظاهرانه مأمون برای ابراز دوستی و ارادت به امام را تبیین کند؛ ثالثاً امام رضا (ع) بدین گونه مخالفت علنی و عدم علاقه و ناخرسندی و نگرانی جدی خود را به اطلاع همگان برساند تا فرادها، مأمون و عوامل رسانه‌ای و تبلیغاتی او، این حرکت امام را از روی میل و اختیار امام، تفسیر و تعبیر نکنند؛ رابعاً جلوگیری از سوءاستفاده مأمون و عوامل دستگاه حاکمیتی بنی‌العباس از جایگاه و شأن و منزلت امام رضا (ع) در توجیه اعمال ظالمانه و اقدامات خلاف اسلام حقیقی با انتصاب امام به ولایتعهدی، یکی دیگر از نیات امام رضا (ع) در ابراز این عمل پیش‌دستانه بود.

در حکمت یابی اینکه چرا امام رضا (ع) در این حدیث جمله «بشروطها و أنا من شروطها» را بعد از حرکت کاروان بیان نمود، می توان گفت: امام رضا (ع) با اضافه کردن بخش پایانی حدیث در صدد بود تا مردم را قبل از اعلام رسمی ولایتعهدی، متوجه نقشه مأمون نماید. همچنین مقابله با نیرنگ خبرچین‌های مأمون و حاشیه‌سازی و دور کردن مفاهیم از معانی مورد اراده حضرت، می تواند دلیل دیگر بیان بخش پایانی، در حین حرکت نهایی کاروان دانست و نیز اینکه عنصر تأثیرگذاری و بیان نکته‌ای خاص در زمانی که بیشترین عطش برای شنیدن کلام امام وجود دارد را باید به موارد پیشین اضافه نمود.

۳-۴-۴. هژمونی کردن دوگانه توحید - ولایت

امام رضا (ع)، با تبیین این معارف توحیدی و روشنگری خود در جهاد تبیینی، در برابر گفتمان‌های رقیب اعم از عباسیان و فرقه‌های نوظهور آن زمان که به نام اهل بیت (ع)، از جمله: واقفیه، اسماعیلیه، زیدیه، غلات و فرق منحرف صوفیه با تمام توان خود مدعی جانشینی مکتب امامت بودند، توحید را منشأ سعادت و نجات از عذاب معرفی می کنند، اما پذیرش ولایت اهل بیت و در رأس آن ولایت حضرت علی (ع) را شرط اساسی برای ورود به دایره توحید می دانند و از این راه، ایدئولوژی خود را مطرح و قدرت مطلقه حق حاکمیت اهل بیت (ع) را تبیین نموده و سعی در هژمونیک کردن آن در سطح جامعه اسلامی دارند (الهی زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۱۱-۱۱۳).

بر اساس مدل تحلیل گفتمان، در واقع این همان عنصر «قدرت» و «ایدئولوژی» است که امام رضا (ع) در صدد است با این روایت که دوگانه «توحید» و «امامت» را در تعامل با یکدیگر و به دور از مفارقت آن‌هاست بیان می کند، هژمونی قدرت را به نفع خود رقم بزند.

۴-۴-۴. حل مسئله کهن حکم مرتکب کبیره و عذاب نشدن قائلین «تهلیل» بدون عمل به مقتضای آن

در بین اهل سنت و جماعت، این حدیث مشهور، زیاد نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من قال لا إله إلا الله صدقاً من قلبه دخل الجنة» (معروف، ۱۴۳۴ ق، ج ۱، ص ۴۰۲) و یا در برخی روایات تعبیر «خالصاً من قلبه» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص

(۳۱) و در برخی روایات، اضافه «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فإذا قالوها عصموا مني دماءهم و أموالهم إلا بحقها و حسابهم على الله: به من دستور داده شده تا با مردم بجنگم تا اینکه لا إله إلا الله بگویند پس اگر بگویند خون و مالشان از من محفوظ است مگر به حق و حسابشان با خداست» (همان، ج ۹، ص ۱۱۲) و یا «أمرت أن أقاتل الناس حتى يشهدوا أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة فإذا فعلوا ذلك عصموا مني دماءهم و أموالهم إلا بحق الإسلام و حسابهم على الله: به من دستور داده شده تا با مردم بجنگم تا اینکه شهادت دهند که معبود بر حقی جز الله وجود ندارد و محمد (ص) فرستاده اوست و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند؛ پس هرگاه چنین کردند خون و مالشان از من محفوظ است مگر به حقی که اسلام تعیین کرده است و حسابشان با خداست» (همان، ج ۱، ص ۱۴) آمده است؛ اگرچه برخی از علمای اهل سنت و جماعت، در تفسیر این حدیث، ادای حق آن را در گرو انجام واجباتی نظیر اقامه نمازهای پنج‌گانه و پرداخت زکات و ترک محرّمات و باقی ماندن بر اعتقاد به آن تا پایان عمر، دانسته‌اند (ابن عیثمین، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴)، ولی به نظر می‌رسد این اندیشه، از صدر اسلام در بین اهل سنت و جماعت، وجود داشته و از سوی اندیشمندان آنان ترویج می‌شده است، در نیشابور یا در میان محدثان جهان اسلام در عصر مأمون یا حتی در فضای کلی تفکرات کلامی آن دوران این بینش رواج داشته که «بر زبان آورنده تهلیل عذاب نخواهد شد» و با استناد به روایت‌های فوق‌الذکر، صرف قائل شدن به «لا إله إلا الله» را سببی برای نجات و ایمنی از عذاب الهی و کلید بهشت دانسته می‌شده است؛ از سوی دیگر، مسئله کهن «حکم مرتکب کبیره» که دست‌کم از نیمه‌های سده نخست هجری به‌طور جدی برای مسلمانان مطرح شده بود که گروهی همچون مرجئه قائل به این هستند که مرتکب کبیره، اگرچه توبه نکند، در آتش جاودانه نیست و حکم به عذاب او نخواهد شد (همان، ج ۲، ص ۶۹) و یا اشاعره، مرتکب کبیره را مؤمن می‌شمارند و عذاب او را موقتی می‌دانند و می‌گویند چگونگی عذابش را خدا می‌داند و برای ما روشن نیست؛ این در حالی است که در منابع تشیع، نظیر این روایت «من قال لا إله إلا الله مخلصاً دخل الجنة» با تصریح اضافه «و إخلاصه أن تحجره لا إله إلا الله عمّا حرّم الله عزّ و جلّ: إخلاصش این است که او را

از آنچه خداوند عزّ و جلّ، حرام کرده حفظ می‌کند» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۷۰)؛ همچنین در روایتی که جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به سؤال خلیفه دوم، تمسک به محبت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) را، شرط ورود قائل تهلیل و شهادتین، به بهشت معرفی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ج ۱، ص ۲۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۲، ق، ج ۶۵، ص ۱۰۱).^۱

بنابراین به نظر می‌رسد سخن امام رضا (ع) در تبیین مشروط بودن ایمنی از عذاب الهی و قرار گرفتن در حصن نجات، کوششی برای حل مسئله کهن «حکم مرتکب کبیره» و «عذاب نشدن قائلین «تهلیل» بدون عمل به مقتضای آن» و روشنگری در خصوص نظر اصلی پیامبر اکرم (ص) و خداوند متعال، در این زمینه بوده است؛ همان‌گونه که در «حدیث ایمان»، ایمان واقعی را در پرتو سه رکن «اقرار لسانی»، «اعتقاد قلبی» و «عمل به ارکان» بیان نمود؛ بنابراین، سخن امام رضا (ع)، کوششی برای تشریح این تفاوت گفتمانی و توضیح این معنا بود که «لا اله الا الله» گفتن بدون پذیرش ولایت اهل بیت (ع) و اقتضای آن که اطاعت از آنان و تبعیت از سیره علمی و عملی آنان است در ایمنی بخشی از عذاب الهی و ورود به بهشت، مؤثر نیست، همان‌گونه که در کاربرد قرآنی، عبارت «لا إله إلا الله» در ذکر یونسیه (الأنبیاء: ۸۷)، به‌عنوان ذکر نجات‌بخش و به نوعی «حصن» معرفی شده است.

۴-۴-۵. حفظ شیعیان از آسیب‌ها و انحرافات فکری و اعتقادی در برابر جریان‌ها و نحله‌های مدعی حق

امام رضا (ع)، اگرچه از سویی در این روایت، جریان سیاسی خلفا، امویان، عباسیان را به چالش می‌کشد و بی‌اعتباری کسی چون مأمون را سر زبان‌ها می‌اندازد، با معرفی خاص خود به‌عنوان «امام» و شرط زنده تحقق کلمه طیبه «لا إله إلا الله»،

۱. (عن جابر بن عبدالله، قال: كنت عند النبي (صلى الله عليه وآله) أنا من جانب و عليّ أمير المؤمنين (صلوات الله عليه) من جانب إذ أقبل عمر بن الخطاب و معه رجل قد بلّب به فقال: ما باله؟ قال: حكى عنك يا رسول الله أنك قلت: من قال: «لا إله إلا الله محمد رسول الله» دخل الجنة و هذا إذا سمعته الناس فرطوا في الأعمال، أفأنت قلت ذلك يا رسول الله. قال: نعم إذا تمسك بمحبته هذا و ولايته: جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: من با پیامبر (ص) از یک طرف و علی امیرالمؤمنین (ع) از طرف دیگر بودم که عمر بن خطاب با او رسید. مردی بود که از او حیران شد، گفت: تو را چه شده است؟ گفت: ای رسول خدا از تو روایت شده است که گفتی: هر که بگوید معبودی جز خدا نیست و محمد (ص) فرستاده خداست، وارد بهشت می‌شود و اگر مردم، این را می‌شنیدند از اعمال خود فرو می‌گذارند و غافل می‌شوند، آیا تو این را گفتی ای رسول خدا؟ پیامبر (ص) فرمود: آری هنگامی که به محبت و ولایت علی (ع) پای بند باشد.)

با اندیشه‌های انحرافی درون شیعه مانند واقفیه و جریان غلات مقابله می‌کند و اندیشه صحیح را اندیشه‌ای می‌داند که اولاً امام رضا (ع) ادامه‌دهنده آن است و ثانیاً اندیشه‌ای که بعد از امام در خط و تأیید امام حرکت کند.

۴-۴-۶. سازمان‌دهی باورها و عقاید شیعه و به کمال رساندن باورهای

شیعی

امام رضا (ع) در فرصت به دست آمده و تقاضای مطرح‌شده برای بیان حدیثی از پیامبر (ص) و با گزینشی متبحرانه با توجه به اقتضائات حاکم بر فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن روزگار، جهان‌بینی توحیدی اصیل اسلام ناب را در پرتو بیان نورانی خداوند متعال در حدیث «سلسله‌الذَّهب» در موجزترین و درعین‌حال کامل‌ترین بیان تشریح می‌کند و همه مخاطبین جامعه اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن را متوجه این جهان‌بینی دقیق و اصیل می‌سازد.

۴-۴-۷. تبیین سیره بین‌المللی امامت

از بررسی سیره شاخص امام رضا (ع) در حوزه بین‌المللی مؤلفه‌های مهمی قابل استخراج است: حضور در حوزه مهم تمدنی، تأثیر بزرگ در اندیشه بشر، سخن گفتن با مردم با استدلال و برهان در عرصه جغرافیایی وسیع، شکل و تنوع استدلالات و احتجاجات رضوی به جهت مجال گسترده و فرصت تازه پدید زمان ایشان، نبرد فکری فرهنگی ظریف‌تر و عظیم‌تر، عمیق‌تر و جهانی‌تر از جنگ نظامی؛ که از همین منظر است که امام رضا (ع) از فرصت تاریخی پیش‌آمده در نیشابور در تبیین یکی از مهم‌ترین مسائل اساسی اسلام یعنی «پیوند توحید و امامت» سخن می‌گوید. به بیان دیگر، پرچمی که ابراهیم (ع) در میان رودان برداشته در سر حد اسلام در نزدیکی «فرارود» در دست امام رضا (ع) دیده خواهد شد. این پرچم باید در سامرا و سپس مکه بازگردد و در این بین نیشابور و مرو منزلگاه‌های مهمی‌اند. در نیشابور است که امام رضا از «حصن الهی» و «ولایت» کسی سخن می‌گوید که خود «باب علم نبوی» است و خود را نیز «شرط» دسترسی به آن باب و ورود به آن «حصن» می‌شمارد. از شاخصه‌هایی که زندگی دو پیشوای ملل، حضرت ابراهیم و امام رضا را به پیوند می‌دهد حضور ایشان در دو حوزه مهم فکری و فرهنگی است. به عبارت دیگر دو منطقه مهم «میان رودان» و «فرارود»، در زمان این دو پیشوا، تنها

دارای اهمیت سیاسی از حیث نگاه داشتن سنجهای برای اندیشه سیاسی و مواجهه با طغیان طواغیت نیست، بلکه «داعیه‌های فرهنگی» نیز در این دو منطقه قوی است «میان رودان» قرار است سرزمین «قانون و هنر و مدیریت» شود؛ سرزمین «خراسان» بزرگ‌تر نیز قرار است «خاستگاه تمدن اسلامی» شود. هر دو در این دو تمدن اثرگذار نیز هستند (خوش‌منش، ۱۳۹۱، ۶۷-۷۱ و ۱۱۱)؛ از سوی دیگر، از جهت نمود بیشتر تنوع فرهنگی در خراسان، زمینه را برای ارتباطات گسترده پیشوای بین‌المللی اسلام و تشیع، حضرت امام رضا (ع)، تسهیل و تیسیر می‌کرد. با آمدن ایشان به ایران، افراد مختلفی با گرایش‌ها و فرهنگ‌های گوناگون پیرامون او را گرفتند و این امر به اصطلاح امروز ضریب نفوذ و تأثیر حضرت را توسعه داد و به حضرت برای رساندن پیام‌های جهانی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت او موقعیتی ممتاز بخشید. به تعبیر دیگر امام رضا (ع) سمت‌وسوی موضوع مناظرات بین‌الفریقین و بین‌الادیانی را حول محور مهم امامت تعیین کرد و گفتمان سازی جدید و نظریه‌پردازی نوینی در حوزه مسئله همیشه به روز امامت در تلفیق مفهوم توحید حقیقی مطرح نمود.

۸-۴-۴. تبدیل تهدید مأمون به فرصت

در نهایت امام رضا (ع) با ابتکار عمل خود در حسن انتخاب این روایت از اقیانوس معارف صادره از رسول اکرم (ص)، تهدید صورت گرفته از سوی مأمون برای محدود کردن امام و پوشاندن مفهوم امامت را با طرح این روایت، به فرصت ارزشمند و بزرگی برای تبیین مفهوم حقیقی توحید و تصدیق توحید حقیقی در پرتو ولایت تبدیل کرد.

نتایج

همان‌طور که در این پژوهش بررسی گردید ناظر به دو سؤال اساسی مطرح شده در ابتدای این مقاله، تحلیل چرایی انتخاب روایت «سلسله‌الذهب» از سوی امام رضا (ع) از میان انبوه احادیث پیامبر اکرم (ص) و درک شرایط زمانی و ویژگی‌های سیاسی اجتماعی آن عصر، نیازمند درک گفتمان آن روزگار و تحلیل آن نیازمند بررسی مؤلفه‌های غالب بر این گفتمان و عناصر حاضر و مؤثر در این مسئله است.

۱. شناخت نحوه تأثیر شرایط زمانی و مکانی و بسترهای فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر حضور امام رضا (ع)، در تحلیل گفتمان این روایت، با توجه به نقش مردم مخاطب زمان صدور این حدیث در سرزمین ایران و جایگاه خاص آن از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی و تمدن و فرهنگ و حوزه قلمرو و مرکز اصلی حکومت بنی‌العباس در مرو و همچنین تشنگی رؤیت، لقاء و استماع سخنان گهربار امام رضا (ع) و بیانی از میراث به‌جامانده از خاندان عصمت و به‌ویژه مأثور از پیامبر اکرم (ص) به دلیل فاصله مکانی بین مردم ایران با اهل بیت (علیهم‌السلام) و نیز جایگاه ویژه نیشابور آن روزگار، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم حدیثی آن روز جهان اسلام باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. تحلیل گفتمان انتقادی این حدیث، نشان از ابعاد پنهان تقابل گفتمان امام رضا (ع) با گفتمان‌های رقیب حاضر در عصر حضور امام (ع) را در زمینه چالش جدی با دستگاه خلافت و اثبات عدم حقانیت جریان سیاسی خلفا، امویان و عباسیان و نیز در برابر فرقه‌های انحرافی درون شیعی از جمله: واقفیه، اسماعیلیه، زیدیه، غلات و صوفیه دارد. همچنین یادآوری پیام غدیر و «فلسفه سیاسی اسلام و تشیع» و نیز گونه‌ای جریان سازی اجتماعی برای انتقال پیام مهجور مانده معصومین (ع) در زمینه ارتباط توحید و ولایت، از پیام‌های تبیینی این تحلیل است؛ از تحلیل این حدیث برمی‌آید که «توحید» تنها یک لفظ و شعار نیست بلکه باید در زندگی اجتماعی هم ظهور و بروز داشته باشد و تجلی «توحید» در زندگی اجتماعی نیز با «ولایت امام» که همان ولایت خداست، میسر است. این حدیث در راستای تحقق «اقدام برای حفظ فرمایش‌ها و سیره پیامبر اکرم (ص)، در راستای مرجعیت دینی ائمه معصومین (ع)» است و امام رضا (ع) با این حدیث، در صدد بیان جهان‌بینی توحیدی اصیل اسلام است تا در این فرصت به دست آمده در جمع عظیم مردم و محدثین و با توجه به اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن عصر، نه صرفاً یک پند و اندرز و نصیحت اخلاقی که کاربرد فردی و شخصی داشته باشد، بلکه یک مفهوم مهم و سرنوشت‌ساز را که در همه شئون فردی و اجتماعی و به‌ویژه در شناخت طریق سعادت باشد بیان نماید.

منابع

۱. **قرآن کریم**. مترجم: علی مشکینی (۱۴۰۳ ق). قم: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۵ ش)، **الامالی**، تهران: انتشارات کتابچی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲ ش). **التوحید**، ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: نشر صدوق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲ ش). **عیون اخبار الرضا (ع)**. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۱ ش). **معانی الأخبار**. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۶. ابن جوزی، سیوسف بن قز اوغلی (۱۴۲۶ ق). **تذکره الخواص**، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۷. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۳۸۵ ق). **الصواعق المحرقة فی ردّ علی اهل البدع و الزندقه**، قاهره: مکتبه القاهره.
۸. ابن صباغ مالکی، علی بن احمد (۱۴۲۲ ق). **الفصوص المهمه فی معرفه الأئمه**، قم: دار الحدیث.
۹. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن (۱۹۹۲ م). **طبقات الفقهاء**، تحقیق: محیی الدین علی نجیب، بیروت: دار البشائر الإسلامیه.
۱۰. ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۱۲ ق). **لقاء الباب المفتوح**، دروس صوتیه قام بتفریغها موقع الشبکه الإسلامیه.
۱۱. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق (بی تا). **فرهنگ کنز اللغات**، مصحح: رضا علوی نصر، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۹ ق). **لسان العرب**، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
۱۳. ابو نعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۰۷ ق). **حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء**، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. ارلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲). **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**؛ تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. الهامی، داود (۱۳۷۲ ش). **«تشیع در گذرگاه تاریخ: دعوت از امام رضا (ع) برای سفر به ایران»**، قم: مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵، ۳۲ تا ۴۴.

۱۷. الهی زاده، محمدحسین (۱۳۹۰ ش). **تدبری در سیره تاریخی اهل بیت (ع)**، چاپ اول، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
۱۸. انصاری نیا، زری؛ خزعلی، انسیه (۱۳۹۷ ش). **پایان نامه دکتری با عنوان: تحلیل گفتمان مناظرات امام رضا با مخالفان**، دانشگاه الزهراء
۱۹. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵ ش). **تحلیل گفتمان انتقادی**، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ ق). **صحیح البخاری**، الطبعة الأولى، دمشق: دار طوق النجاة.
۲۱. بشیر، حسن (۱۳۹۸ ش). **«امام و امامت در گفتمان امام رضا (ع)»**، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، دوره ۷، شماره ۴، (پیاپی ۲۸)، ۲۹ تا ۵۷.
۲۲. بشیر، حسن (۱۳۹۵ ش). **کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۳. پارسا، فروغ و همکاران (۱۳۹۷ ش). **معناشناسی و مطالعات قرآنی (مجموعه درس گفتارها)**، چاپ اول، تهران: انتشارات نگارستان اندیشه.
۲۴. پاکتچی، احمد و همکاران (۱۳۹۲ ش). **ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)**، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۲۵. ثعالی، عبدالملک بن محمد (۱۴۱۴ ق). **فقه اللغة**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ش). **سیره رسول اکرم (ص) در قرآن**، تنظیم و نگارش: حسن واعظی محمدی، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵ ش). **تاریخ نیشابور**، ترجمه محمدحسین خلیفه، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
۲۸. حبیبی تبار؛ حسن و مروجی طبسی، محمد محسن (۱۳۹۲ ش). **«توحید و امامت در حدیث سلسله الذهب»**، فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۴۱، ۹۳ تا ۵۷.
۲۹. حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ ش). **معجم البلدان**، بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.
۳۰. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، (۱۳۸۴ ش). **مهمان خانه بخارا**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، (۱۳۷۵ ش). **وسيله الخادم**. مترجم: نثار احمد زین پوری، قم: موسسه انصاریان.
۳۲. خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۱ ش). **دو پیشوال ملل؛ حضرت ابراهیم (ع) و حضرت رضا (ع)**، مشهد: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (ع).

۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۹ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، الطبعة الرابعة، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، المدینه: طلیعه النور.
۳۴. رحمانی، محمد (۱۳۷۵ ش). «*بررسی حدیث سلسله‌الذهب*»، مجله فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲، ۵۷ تا ۷۸.
۳۵. شکرانی، رضا و همکاران (۱۳۹۰ ش). «*بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی*»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره اول، ۹۳ تا ۱۲۲.
۳۶. شکرانی، رضا و همکاران (۱۳۸۹ ش). «*گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی*»، فصلنامه پژوهش، سال دوم، شماره دوم، ۷۱ تا ۱۰۰.
۳۷. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة*، محقق: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*، قم: بنیاد بعثت.
۳۹. عارف نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۴ ش). «*واکاوی فضای گفتمانی نیشابور در زمان فضل بن شاذان*»، فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، سال ششم، شماره ۲۱، ۳۱ تا ۴۷.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین*، قم: مؤسسه دار الهجره.
۴۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ ش). *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه: فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۴۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). *القاموس المحيط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق). *ینایع الموده لنوی القربی*، قم: دار الاسوه للطباعه و النشر.
۴۴. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ ش). *عیون الحکم و المواعظ*، تصحیح و تنظیم: حسین حسینی بیرجندی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۲ ق). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع)*، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۶. مجیدی، حسن (۱۳۹۲ ش). «*تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (ع)*»، مجله فرهنگ رضوی، شماره ۲، ۹ تا ۳۹.
۴۷. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، مصحح: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۴۸. مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۳ ق). *القاموس الفقهی*، بیروت: دار المجتبی.
۴۹. مروارید، علی اصغر (بی‌تا). *بدایع الفقهیه*، بی‌جا.
۵۰. مصطفی، ابراهیم و همکاران (۱۹۸۹ ش). *المعجم الوسیط*، استانبول: دار الدعوه.

۵۱. معروف، بشار عواد و همکاران (۱۴۳۴ ق). *المسند المصنّف المعلّل*، دار الغرب الإسلامي.
۵۲. معلوف، لويس (۲۰۰۰ م). *المنجد في اللغة العربية المعاصرة*، بيروت: دار المشرق.
۵۳. مقدس، محمود (۱۳۹۹ ش). «*تحليل مناظرات امام رضا (ع) بر مبنای نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه*»، دو فصلنامه پژوهش نامه مذاهب اسلامی، شماره ۱۴، ۶۳ تا ۸۹.
۵۴. موسوی، حسین بن یوسف (۱۴۱۰ ق). *الإفصاح في فقه اللغة*، محقق: عبد الفتاح صعيدی، قم: مکتب الإعلام الإسلامي.
۵۵. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ ق). *لسان اللسان*، بيروت: دار الکتب العلمیه.
۵۶. میرحسینی، یحیی؛ هاشمی، زهرا (۱۴۰۰ ش). «*خوانش تاریخی-گفتمانی حدیث سلسله الذهب*»، مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۹، سال بیست و هفتم، ۱۱۵ تا ۱۳۴.
۵۷. ولوی، علی محمد؛ بختیاری، زهرا (۱۳۹۸ ش). «*واکاوی دلایل استناد علی بن موسی الرضا (ع)*»، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، سال هفتم، شماره ۳، ۲۰۱ تا ۳۳۰.
۵۸. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۵ ش). *فرهنگ فقه فارسی*، قم: موسسه دائره المعارف فقه فارسی.
۵۹. Fairclough, Norman(2003). *Analysing Discourse*, New York and London: Routledge.

Resources

1. The Holy Quran. Translator: Ali Meshkini (1403 AH). Qom: Quran Printing and Publishing Center of the Islamic Republic of Iran.
2. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1936), Al-Amali, Tehran: Ketabchi Publications.
3. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1993). Al-Tawhid, translated by Hamid Reza Mostafid and Ali Akbar Ghaffari, first edition, Tehran: Sadooq Publishing.
4. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1372 AH). Ayoun Akhbar al-Rida (AS). Qom: Jamiat al-Modaresin Publications.
5. Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1361 AH). Ma'ani al-Akhbar. Qom: Jamiat al-Modaresin Publications, 1361 AH.
6. Ibn al-Jawzi, Siyyuf ibn Qaz Oghly (1426 AH). Tadzkirah al-Khawwas, Qom: Majma' al-Jahani al-Ahl al-Bayt.
7. Ibn Hajar Haytami, Ahmad ibn Muhammad (1385 AH). Al-Sawa'eq al-Muhraqa in response to the people of innovation and heresy, Cairo: Maktaba al-Qahirah.
8. Ibn Sabbagh Maliki, Ali ibn Ahmad (1422 AH). The Important Sections in the Knowledge of the Imams, Qom: Dar al-Hadith.
9. Ibn Salah, Uthman ibn Abd al-Rahman (1992 AD). The Classes of the Jurists, Researched by Muhyiddin Ali Najib, Beirut: Dar al-Basha'ir al-Islamiyya.
10. Ibn Uthaymeen, Muhammad ibn Salih (1412 AH). The Open Door Meeting, audio lessons he uploaded on the Islamic Network.
11. Ibn Ma'ruf, Muhammad ibn Abdul Khaliq (b.a.). Farhang Kanz al-Lughat, edited by Reza Alawi Nasr, Tehran: Maktaba al-Murtazawiyah.
12. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1369 AH). Lisan al-Arab, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution.
13. Abu Na'im, Ahmad ibn Abdullah (1407 AH). Hiliyah al-Awliya and Tabaqat al-Asfiyya, Beirut: Dar al-Kutb al-Arabi.
14. Arbali, Ali ibn Isa (1382). Kashf al-Ghammah fi ma'arifah al-A'imah; Tehran: Islamiyya Publications.
15. Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). Tahdhib al-Lagha, Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arabi.

16. Elhami, Dawood (1993). "Shia at the crossroads of history: inviting Imam Reza (AS) to travel to Iran", Qom: Journal of Lessons from the School of Islam, No. 5, 32 to 44.
17. Elahizadeh, Muhammad Hussein (1991). Reflections on the historical life of the Ahl al-Bayt (AS), first edition, Mashhad: Published by (Astan Quds Razavi Publications).
18. Ansari Nia, Zari; Khazali, Ansiya (2018). Doctoral thesis entitled: Discourse Analysis of Imam Reza's Debates with Opponents, Al-Zahra University
19. Aghagolzadeh, Ferdows (2006). Critical Discourse Analysis, First Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications in Cooperation with Tarbiat Modarres University.
20. Bukhari, Muhammad bin Ismail (1422 AH). Sahih Al-Bukhari, First Edition, Damascus: Dar Tuq Al-Najah.
21. Bashir, Hassan (2019). "Imam and Imamate in the Discourse of Imam Reza (AS)", Farhang Razavi Scientific Quarterly, Volume 7, Issue 4, (Seriously 28), 29 to 57.,
22. Bashir, Hassan (2016). Application of Discourse Analysis in Understanding Religious Sources, Tehran: Farhang Islamic Publishing House, First Edition.
23. Parsa, Forough et al. (2018). Semantics and Quranic Studies (Collection of Discourse Lessons), First Edition, Tehran: Negarestan Andisheh Publications.
24. Paketchi, Ahmad et al. (2013). Dimensions of the Personality and Life of Imam Reza (AS), Tehran: Imam Sadeq University Press.
25. Tha'alabi, Abdul Malik bin Muhammad (1414 AH). Fiqh al-Lughah, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilamiyah.
26. Javadi Amoli, Abdullah (1387 AH). The Life of the Holy Prophet (PBUH) in the Quran, edited and written by Hassan Va'ez Mohammadi, Qom: Israa Publishing Center.
27. Hakim Neishaburi, Muhammad bin Abdullah (1375 AH). History of Neishapur, translated by Muhammad Hussein Khalifa, edited by Muhammad Reza Shafi'i Kadkani, Tehran: Ageh Publishing.
28. Habibi Tabar; Hassan and Maroji Tabasi, Mohammad Mohsen (2013). "Monotheism and Imamate in the Hadith of the Golden Chain", Scientific Quarterly Research Journal of Islamic Theology, Volume 22, No. 41, 93 to 57.

29. Hamavi Baghdadi, Yaqut bin Abdullah (2013). *Mu'jam al-Bulandan*, Beirut: Dar al-Ihya' al-Turat al-Arabi.
30. Khanji Isfahani, Fadlallah bin Roozbahan (2005). *Guest House of Bukhara*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
31. Khanji Isfahani, Fadlallah bin Roozbahan (1375/1977). *Wasileh al-Khadim*. Translator: Nisar Ahmad Zainpuri, Qom: Ansarian Institute.
32. Khoshmanesh, Abul-Fadl (1391/1972). *Two Leaders of Nations; Hazrat Ibrahim (AS) and Hazrat Reza (AS)*, Mashhad: Imam Reza (AS) Cultural and Artistic Foundation.
33. Raghیب Isfahani, Husayn bin Muhammad (1429/1979). *Mufradat al-Faz al-Quran*, 4th edition, researched by Safwan Adnan Davoudi, Medina: Tali'at al-Nur.
34. Rahmani, Mohammad (1996). "A Study of the Hadith of the Golden Lineage", *Quarterly Journal of Hadith Sciences*, No. 2, 57 to 78.
35. Shokrani, Reza et al. (1991). "A Study of the Discourse Mining Method and Its Application in Quranic Studies", *Quarterly Journal of Research*, Year 3, Issue 1, 93 to 122.
36. Shokrani, Reza et al. (1990). "Discourse Mining and Its Application in Narrative Texts", *Quarterly Journal of Research*, Year 2, Issue 2, 71 to 100.
37. Sahib bin Ebad, Ismail bin Ebad (1414 AH). *Al-Muhit fi al-Laghah*, researcher: Muhammad Hassan Al-Yasin, Beirut: Aalem al-Kutb.
38. Tusi, Muhammad bin Hassan (1414 AH). *Al-Amali*, Qom: Bisrat Foundation.
39. Aref Nejad, Abul-Qasim (1394 AH). "Analysis of the Discursive Space of Nishapur in the Time of Fadl bin Shazan", *Scientific Research Quarterly of Greater Khorasan*, Year 6, No. 21, 31 to 47.
40. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Al-Ain*, Qom: Dar al-Hijrah Institute.
41. Fairclough, Norman (1990). *Critical Discourse Analysis*, translated by: Fatemeh Shayesteh Piran and colleagues, Tehran: Media Studies and Research Center.
42. Firouzabadi, Muhammad ibn Yaqub (1990). *The Enclosed Dictionary*, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilamiyah.

43. Qandozi, Sulayman ibn Ibrahim (1990). *The Sources of Al-Mudah for Relatives*, Qom: Dar al-Aswa for Printing and Publishing.
44. Laithi Wasiti, Ali bin Muhammad (1376). *Ayoun al-Hakam wa al-Mawa'iz*, edited and compiled by Hossein Hosseini Birjandi, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
45. Majlisi, Muhammad Baqir (1402 AH). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah to read the news of the purest Imams (a.s.)*, translated by Abul-Hasan Mousavi Hamadani, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
46. Majidi, Hassan (1392). "Analysis of the discourse of the debates of Imam Reza (a.s.)", *Razavi Culture Magazine*, No. 2, 9 to 39.
47. Morteza Zubaidi, Muhammad bin Muhammad (1414 AH). *The Bride's Crown is Among the Jewels of the Dictionary*, edited by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr.
48. Mar'i, Hussein Abdullah (1413 AH). *Al-Qamous Al-Fiqhi*, Beirut: Dar Al-Mujtaba.
49. Marwarid, Ali Asghar (b.e.). *Bad'a'i Al-Fiqhiyyah*, Bi-Ja.
50. Mustafa, Ibrahim et al. (1989). *Al-Mu'jam Al-Wasit*, Istanbul: Dar Al-Dawa.
51. Marouf, Bashar Awad et al. (1434 AH). *Al-Musnad Al-Musnad Al-Mu'alal*, Dar Al-Gharb Al-Islami.
52. Maalouf, Lewis (2000). *Al-Munjad in Contemporary Arabic Language*, Beirut: Dar Al-Mashreq.
53. Muqaddas, Mahmoud (2010). "Analysis of Imam Reza's (AS) Debates Based on the Discursive Theory of Laclau and Mouffe", *bi-monthly journal, Islamic Schools of Research*, No. 14. 63 to 89.
54. Mousavi, Hussein bin Yusuf (1410 AH). *Al-Ifsah in the Jurisprudence of Language*, Researcher: Abdul Fattah Sa'idi, Qom: Maktaba Al-Imāl Al-Islami.
55. Muhanna, Abdullah Ali (1413 AH). *The Language of the Tongue*, Beirut: Dar Al-Kutb Al-Ilmiyah.
56. Mir Hosseini, Yahya; Hashemi, Zahra (1400). "Historical-discursive reading of the Hadith of the Golden Dynasty", *Journal of Historical Studies of the Quran and Hadith*, No. 69, Year 27, 115-134.

57. Walvi, Ali Mohammad; Bakhtiari, Zahra (2019). "Analysis of the reasons for citing Ali ibn Musa al-Rida (AS)", Scientific Quarterly of Farhang Razavi, Year 7, No. 3, 201-330.
58. Hashemi Shahroudi, Mahmoud (2006). Persian Jurisprudence Dictionary, Qom: Persian Jurisprudence Encyclopedia Institute.
59. Fairclough, Norman (2003). Analyzing Discourse, New York and London: Routledge.